

افعال غیر شخصی و یک شخصه

۱. بچه دارد گریه می کند. به مادرش (خبر دادن)
۲. شما نامه را بد خط نوشتید. دوباره (نوشتن)
۳. راننده خسته شده است و نمی تواند در شب رانندگی کند. شب را در این هتل (گذراندن)
۴. کارها خراب شده اند. آنها را دوباره (از سر گرفتن)
۵. این خاطره ها خیلی دردناک است. آنها را (از یاد بردن)
۶. وقت زیادی نداریم. بیشتر از این وقت را (از دست دادن)
۷. اینجا تنها مغازه شهر نیست. از جای دیگر (خرید کردن)
۸. قلعه پراگ خیلی دور نیست ولی آن را از اینجا (دیدن)
۹. ممکن است دیدن شوهرش لازم نباشد ولی خودش را (دیدن)
۱۰. دکتر من باید بدانم که یا نه؟ (امید داشتن)
۱۱. کاش روزی معنی این حرف را (فهمیدن)
۱۲. با یک خانم این طور (حرف زدن)
۱۳. در بیمارستان زیاد (سر و صدا کردن)
۱۴. کاش دوباره (جوان شدن)
۱۵. این فیلم را دید و (خندیدن)
۱۶. جلو بچه زشت (حرف زدن)
۱۷. دیروز بچه زمین خورد. خیلی (درد گرفتن)
۱۸. راه دور است. آنها پیاده بروند. (زور آمدن)
۱۹. دیروز به پارک زیبای شهر رفتیم تا (دل باز شدن)
۲۰. دیروز راننده (خواب آمدن) اما باز رانندگی می کرد.
۲۱. او همیشه کامپیوتر اتاقش را خاموش کند.
۲۲. فردا باید در سه جلسه شرکت کنم، از حالا (غصه گرفتن)
۲۳. پدر هر ماه به او پول توجیبی میداد اما این پول (بس بودن)
۲۴. او به حرف من اصلا گوش نمی کند. خیلی (لج گرفتن)
۲۵. من همیشه آخر هفته ها در خانه (حوصله سر رفتن)

وقتی آدمها بزرگ می شوند، (یاد رفتن) که یک روزی خودشان هم بچه بودند.
گاهی که (یاد افتادن) که در دوران کودکی چقدر آزاد و شاد بودند،
..... (دل گرفتن). بعضی با یادآوری دوران کودکی (دل باز شدن)
و بعضی ها به سراغ وسایل کودکی شان می روند و خاطراتشان (زنده شدن)
عده ای عادت دارند وسایل قدیمی خود را بیرون بریزند. ولی عده ای هم (حیف
آمدن) این کار را بکنند. دوست دارند گاهی به آنها (سر زدن) و به یاد خاطراتشان
..... (افتادن). گاهی یک عکس و یا حتی یک اسباب بازی قدیمی خاطرات زیادی را
..... (یاد انداختن). آیا شما هم دوست دارید وسایل قدیمی خود را؟
(نگه داشتن)